Two Quarterly Scientific
Doubt-research Journal of Quranic Studies

Two Quarterly Scientific
Doubt−research Journal of Quranic Studies

Print: 2980-7727
Online: 2717-3879

Scientific and Ethical Requirements for Responding to Doubts and Misconceptions Based on the Qur'anic Thought of the Martyred Imam Khamenei

Seyyed Ali Ahmad Rezaei [1] , **Seyyed Issa Mostarhami** [2]

1. Assistant Professor of Qur'an and Sciences, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.
(Corresponding Author) rezaeesayedaliahmad313@gmail.com
2. Associate Professor, Department of Qur'an and Science, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.
dr.mosterhami@chmail.ir

Abstract

.

Research Article

The present study aims to analyze the scientific requirements for responding to doubts and misconceptions, drawing on the Qur'anic thought of the martyred Imam Khamenei. Today, the diversity and widespread prevalence of doubts across various fields of knowledge have made the need to address them more pressing than ever. Clearly, a lack of knowledge or failure to observe the essential requirements of responding to doubts not only prevents their resolution but may, in some cases, reinforce and consolidate their underlying foundations. Scientific and ethical requirements are among the essential considerations that respondents must consistently observe. An examination of the statements of the martyred Leader, together with a descriptive and analytical study of his speeches and writings, indicates that his Qur'anic thought emphasizes two categories of principles for appropriate responses. The first category comprises scientific criteria and principles to which respondents must adhere, including specialization and epistemological mastery, academic freedom and freedom of expression, avoidance of intellectual one-upmanship, the use of question-and-answer methods in the response process, and the necessity of a demonstrative and rational approach. The second category consists of ethical criteria that respondents must observe. The most prominent of these include constructive and effective disputation, respect for the dignity of others, avoidance of vindictiveness and the fostering of discord, refraining from inciting fanaticism, and a commitment to reform and goodwill. Observing these principles and conditions can create a suitable environment for dispelling doubts and guiding those who raise doubts or are entangled in them.

Keywords: Requirements for Responding to Doubts and Misconceptions, Qur'anic Thought of the Martyred Imam Khamenei, Scientific Requirements, Ethical Requirements.

Received: 2025/09/29 ; **Received in revised from:** 2026/01/15 ; **Accepted:** 2026/01/28 ; **Published online:** 2026/02/24

©The Author(s). **Published by:** Department of Qur'anic Exegesis and Sciences

shobhe.quran.ac.ir

دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
دوفصلنامه علمی شبهه پژوهی مطالعات قرآنی
شبهه پژوهی
دوفصلنامه علمی مطالعات قرآنی
ISSN Print: 2980-7727
Online: 2717-3879

بایسته‌های علمی و اخلاقی پاسخگویی به شبهات بر اساس اندیشه قرآنی شهید امام خامنه‌ای(ره)

سید علی احمد رضایی [۱] ، **سید عیسی مسترحمی** [۲]

۱. استادیار قرآن و علوم، جامعه المصطفی العالمیه (ص)، قم، ایران. (نویسنده مسؤل)
rezaeesayedaliahmad313@gmail.com

۲. دانشیارگروه قرآن و علم، جامعه المصطفی العالمیه؛ قم؛ ایران. dr.mosterhami@chmail.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل بایسته‌های علمی پاسخگویی به شبهات و با بهره‌گیری از اندیشه‌های قرآنی شهید امام خامنه‌ای سامان‌یافته است. امروزه تنوع و گستردگی شبهات در حوزه‌های مختلف معرفتی، ضرورت پاسخگویی را دوچندان نموده است. بدیهی است که ناآگاهی و یا به کار نبستن بایسته‌های پاسخگویی، نه‌تنها به حل شبهه منتهی نمی‌شود، بلکه ممکن است در برخی از موارد تقویت و استحکام پایه‌های شبهه را به دنبال داشته باشد. بایسته‌های علمی و اخلاقی ازجمله بایسته‌هایی است که باید همواره موردتوجه پاسخ‌دهندگان باشد. استنطاق از بیانات رهبر شهید و توصیف و تحلیل سخنان و مکتوبات ایشان نشان می‌دهد که در اندیشه قرآنی معظم‌له دودسته ضوابط برای پاسخگویی مناسب همواره مدنظر بوده است. دسته اول معیارها و ضوابط علمی که پاسخ‌دهنده باید خود را به آن‌ها مقید کند همانند: تخصص‌گرایی و تسلط معرفتی، آزادی علمی و بیان، پرهیز از زورآزمایی علمی، بهره‌گیری از روش پرسش و پاسخ در فرایند پاسخگویی و ضرورت رویکرد برهانی است. دسته دوم، معیارهای اخلاقی است که باید پاسخ‌دهنده بدان مشروط و مقید باشد. برجسته‌ترین آن بایسته‌ها عبارت است از: جدال مؤثر و سازنده، حفظ حرمت‌ها، پرهیز از کینه‌توزی و رتق نفاق، پرهیز از تعصب افروزی و اصلاح‌گری و خیرخواهی است که با رعایت این ضوابط و شرایط می‌تواند زمینه مناسبی را برای رفع شبهه و هدایت شبهه‌گران و گرفتاران در شبهه فراهم سازد.

کلیدواژه‌ها: بایسته‌های پاسخگویی به شبهات، اندیشه‌های قرآنی شهید امام خامنه‌ای، بایسته‌های علمی، بایسته‌های اخلاقی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰ | **تاریخ اصلاح:** ۱۴۰۴/۱۰/۲۵ | **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۴/۱۱/۰۸ | **تاریخ انتشار آنلاین:** ۱۴۰۴/۱۲/۰۵

© نویسندگان **ناشر:** دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
shobhe.quran.ac.ir

۱. مقدمه

امروزه انواع و اقسام شبهات با اهداف متعدد، اذهان بسیاری از مردم را درگیر کرده است. در اهمیت پاسخ به شبهات همین بس که: «شبهات فکری همانند میکروب است. همان‌گونه که پیشرفت علم پزشکی و پیراپزشکی، مدیون برخورد صحیح با تهدیدات میکروب‌های خطرآفرین است، برخورد صحیح و تلاش برای یافتن پاسخ مناسب برای شبهات گوناگون، موجب ارتقای فکر، اخلاق و فرهنگ جامعه می‌شود، وگرنه آفت کفر، ارتداد و فساد، جامعه را فاسد می‌کند. این شبهات، گاهی فکری و فرهنگی است و گاهی اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و... پیدایش و افزایش آن نیز گاهی از روی خباثت و سوء سریرت است و گاهی ناشی از ناآگاهی و جهالت و... بنابراین، نه‌تنها باید از شبهه هراسی به دل راه نداد، بلکه باید از آن استقبال کرد و آن را عامل تکامل دانست» (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ش، ج ۳: ۲۶) امام خامنه‌ای نیز می‌فرماید: «یکی دیگر از آن ابعاد، رفع شبهات است. شبهات همیشه بوده، اما نوع شبهات متفاوت بوده است. در دوره‌های مختلف، علمای بزرگ ما را ملاحظه کنید؛ یکی از مسئولیت‌های خودشان را این می‌دانستند که با شبهات مقابله کنند... کار دیگر هم این بود که شبهه را درمان کنند؛ اگر شبهه‌ای پیش می‌آمد، مجالس کلامی و بحث و پاسخ به سؤالات تشکیل دهند و کتاب بنویسند تا شبهه‌ها را برطرف کنند» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار علما و روحانیون استان همدان، ۱۳۸۳/۰۴/۱۵)؛ ازاین‌رو ضرورت دارد تا اولاً شبهات به‌درستی شناسایی شود و دوماً به‌صورت علمی و با رعایت اصول اخلاقی جواب داده شود. برای آنکه پاسخگویی به شبهات به‌درستی انجام شود نیازمند رعایت ضوابط و بایسته‌هایی است. در این تحقیق نگارندگان در پی آن هستند که این بایسته‌ها را از اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای استنباط کنند.

۲. پیشینه پژوهش

علی‌رغم پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه روش‌شناسی نقد شبهات، پژوهش و تحقیق‌های درقالب کتاب، مقاله، کنگره‌های علمی باورویکرد، بایسته‌های پاسخگویی به شبهات در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای که دغدغه اصلی تحقیق پیش رو است، به رشته تحریر درنیامده و جای چنین تحقیقی باتوجه به نیازمندی جامعه خالی بوده و لازم است این خلأ علمی برطرف شود. پژوهش‌های انگشت‌شماری با محوریت بایسته‌های پاسخگویی به شبهات صورت‌گرفته است. ازجمله: «روش‌شناسی علمی پاسخگویی به شبهات در سیرة رضوی»، اثر حسن خرقانی و البرز محقق گرفمی، فصلنامه علمی فرهنگ رضوی، ۱۴۰۰ که مبتنی بر سیره امام رضا (ع) تدوین‌شده است. «تبیین روش استدلال در پاسخ به سؤالات و شبهات دینی از منظر قرآن کریم»،

نوشته محمدجواد فلاح در نشریه علمی اندیشه نوین دینی، ۱۴۰۱ ش. اثر دیگری است که در آن به ویژگی‌های استدلال قرآنی و اقسام و شیوه‌های استدلال در قرآن اشاره‌شده است. «بایسته‌های مهارت پاسخگویی به شبهات دینی»، تألیف دکتر محمدحسن زمانی و منتشرشده در فصلنامه علمی تخصصی پاسخ، است که در این مقاله به مبانی نظری پاسخگویی در قالب سه مبانی مطالبی تدوین‌شده و در اخیر اشاره به بایسته‌های پاسخگویی شده است. «بررسی کاربست شاخصه‌های پاسخگویی موفق در پاسخ‌های قرآن به شبهات اعتقادی»، اثر داوود افقی و رضا برنجکار در فصلنامه علمی پژوهشی انجمن کلام اسلامی حوزه دیگر مقاله‌ای است که در آن مهم‌ترین پاسخ‌های قرآن به شبهات اعتقادی موردبررسی قرارگرفته است ولی ازآنجاکه به هیچ‌یک از بایسته‌های پاسخ به شبهات در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای اشاره استناد نکرده می‌توان گفت که ارتباطی با موضوع اتخاذشده ندارد. «روش‌شناسی پاسخ‌گویی به شبهات با استفاده از مؤلفه‌های عقلی در سیره امام صادق (ع)»، تألیف البرز محقق و همکاران، در فصلنامه علمی-پژوهشی کلام اسلامی به بایستگی پاسخگویی به شبهات از دیدگاه امام صادق (ع) پرداخته است.

۳. مفهوم‌شناسی

شبهه: «شبهه» بر وزن فُعله از ریشه (ش ب ه) به معنای اختلاط، التباس، ابهام، آمیخته شدن حق با باطل، حق مانند، مثل و نظیر و شبیه است و چیزی که درست آن از نادرست آن شناخته نمی‌شود، آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳: ۴۰۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ۳: ۲۴۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱: ۴۴۳؛ طریحی، ۱۳۷۵ ش، ج ۶: ۳۴۹؛ قرشی بنایی، ۱۴۱۲ ق، ج ۴: ۶)؛ همچنین به معنای مشابهت و پوشیدگی، اشتباه، احتمال اشکال و شک، چیزی که حق و باطل در آن معلوم نیست را شبهه می‌نامند (شیخو؛ ۱۳۸۶ ش: ۲۵۰؛ معین، ۱۳۹۱) نیز در معنای شبهات گفتند: جمع شبهه، اسم‌مصدر از اشتباه (حسینی دشتی، ۱۳۸۵ ش، ج ۶: ۴۴۷)، به معنی شک‌وتردید (دهخدا، ۱۳۴۶ ش، ج ۲۸:۲۳۰)، پوشیدگی کار (سجادی، ۱۳۸۰ ش، ج ۲: ۱۰۳۶) و همانند بودن دو چیز است به‌گونه‌ای که تشخیص را مشکل یا غیرممکن کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۴۴۳).

بایسته: بایسته به معنای واجب، لازم، ضروری (دهخدا، ۱۳۴۲ ش: ۶۲۱؛؛ انوری، ۱۳۸۲ ش، ج ۲: ۲۹۷) آنچه لازم و واجب باشد؛ و مراد از آن در این مقاله ضوابط و شرایطی است که بر کیفیت پاسخ‌دهی تأثیر می‌گذارد.

پاسخ: پاسخ به معنای جواب و در برابر پرسش و شبهه است (معین، ۱۳۷۵ ش، ج ۱: ۳۲۹؛ انوری، ۱۳۸۲ ش، ج ۱: ۴۳۵) است و منظور از آن در اینجا امری که باعث برطرف‌شدن شبهه می‌گردد.

۳. تحلیل بایسته‌های پاسخگویی به شبهات

در چارچوب منظومه فکری امام شهید خامنه‌ای، فرآیند پاسخگویی به شبهات، همچنین نحوه مواجهه در مناظرات و مجادلات علمی، مبتنی بر اصول، ضوابط و بایسته‌های بنیادینی است که واکاوی آن‌ها در دو ساحت قابل دسته‌بندی است؛ دسته نخست، ناظر به «بایسته‌های علمی» است که ناظر بر مبانی معرفتی و استدلالی است و دسته دوم، «بایسته‌های اخلاقی» را دربر می‌گیرد که به آداب و الزامات اخلاقی در گفتگو اختصاص دارد. در ادامه، هر یک از این محورها به‌تفصیل موردبررسی قرار می‌گیرند.

الف) بایسته‌های علمی (معرفت‌شناختی و روش‌شناختی)

نخستین و بنیادی‌ترین اصل در فرآیند مواجهه با شبهات و پاسخگویی به آن‌ها، اتکا به مبانی متقن علمی است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت «علمی بودن» پاسخ، شرط لازم و از کلیدی‌ترین ارکان این کنش فکری محسوب می‌گردد. تحقق این اصل، مستلزم رعایت لوازم و بایسته‌هایی است که در ادامه به تبیین آن‌ها پرداخته خواهد شد. در همین راستا و با استناد به مبانی فکری امام شهید (ره)، بایسته است کنشگران و پاسخ‌دهندگان به شبهات، جهت دستیابی به حداکثر ضریب تأثیرگذاری و اقناع بخشی، اهتمام ویژه‌ای به رعایت اصول زیر داشته باشند.

تخصص‌گرایی و تسلط معرفتی: هدف غایی از برگزاری مناظرات و فرآیند پاسخگویی به شبهات، تمهید مقدمات برای رفع اختلافات، تبیین حقایق و تصحیح خطاهای علمی و عملی طرف مقابل است. بدیهی است که تحقق چنین هدفی، تنها زمانی به منصه ظهور می‌رسد که پاسخ‌دهنده از تخصص و تبحر کافی در حوزه مربوطه برخوردار باشد. در همین راستا، اساسی‌ترین وظیفه متخصصان و عالمان دینی، روشنگری عالمانه و تقابل فعال با فتنه‌های فرهنگی است؛ به‌گونه‌ای که «این آشنایان به علوم دینی هستند که موظف‌اند با روشنگری، مردم و نسل جوان را از خطرات فرهنگی و توطئه دشمنان دین، آگاه کنند» (مصباح یزدی، ۱۳۸۹ ش: ۱۱۵). این بایسته، ریشه در آموزه‌های وحیانی دارد؛ چنان‌که خدای متعال، پیامبر اکرم (ص) را جهت اقناع و هدایت مخالفین به این ضرورت راهنمایی فرموده و می‌فرماید: ﴿فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا﴾ (فرقان/۵۲). از این آیه برمی‌آید که از بهترین و بزرگ‌ترین جهادها در پیشگاه خدا، جهاد کسانی است که شبهه‌های دشمنان دین را باطل می‌کنند. علاوه بر این، از آیه مذکور استنباط می‌شود که قرآن کریم، به‌عنوان متقن‌ترین و علمی‌ترین منبع معرفتی، باید به‌عنوان مرجع اصلی در مناظرات مورد بهره‌برداری

قرار گیرد؛ چراکه قرآن برترین ابزار در جهاد علمی و فرهنگی و قدرتمندترین وسیله برای بحث و محاجّه با دشمنان اسلام است. عبارت «جَاهِدْهُم به» بر این نکته تأکید دارد که جهاد علمی و منطقی در برابر کفر و شرک، مصداق بارز «جِهَاداً کَبیراً» (بزرگ‌ترین جهاد) است (قرائتی، ۱۳۸۸ ش، ج ۶: ۲۶۹).

در همین راستا، وظیفه مطالعاتی و عملی روشن‌فکران و علما ایجاب می‌کند که در برابر هر موضوعی که دشمنان اسلام از طریق آن به شبهه‌افکنی پرداخته و میان امت تفرقه می‌افکنند، فوراً وارد عرصه تبیین و روشنگری شوند. این ضرورت با تبیین راهبردی امام خامنه‌ای (ره) هم‌سو است؛ ایشان در مواجهه با این چالش‌ها می‌فرمایند: «من می‌خواهم از آحاد مسلمین، مخصوصاً از علما، روشنفکران، مسئولان دولت‌ها، سیاست‌مداران، زبدگان و نخبگان در همه کشورها درخواست کنم که دست خائن دشمنان امت اسلامی را در این تفرقه ببینند و مشاهده کنند. این تفرقه، طبیعی نیست؛ این تفرقه، تحمیلی است؛ این تفرقه، تلقینی است. مسلمانان به‌طور طبیعی در کنار هم می‌توانند زندگی کنند و تجربه‌ها نشان داده است که آن‌وقتی که وسوسه دشمن، دمدمه دشمن و خباثت دشمن وارد میدان نشده است، با هم زندگی کرده‌اند. این را ما در کشور خودمان دیده‌ایم، در عراق دیده‌ایم، در کشورهای دیگر اسلامی [هم] مشاهده کرده‌ایم. این تفرقه را تزریق می‌کنند به دنیای اسلام؛ چرا؟ برای اینکه منافع قدرت‌های بزرگ در این تفرقه است» (امام خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۹۴/۴/۲۷)؛ بنابراین با توجه به ماهیت پیچیده این چالش‌ها، پاسخگویی به شبهات نیز همانند سایر حوزه‌های تخصصی، مستلزم برخورداری از دانش عمیق و مهارت‌های ویژه است و نباید به هرکسی واگذار شود. فقدان تخصص در این عرصه می‌تواند پیامدهای زیانباری همچون بازتولید شبهات و ایجاد بحران‌های فکری جدید را به همراه داشته باشد. ازاین‌رو، ازجمله گروه‌هایی که صلاحیت برخورداری از این توانمندی را دارند، علما هستند؛ آنان موظف‌اند با اقتدار و تخصص، مشابه با رسالت پیامبران، در برابر شبهات ایستادگی کرده و در مسیر حل‌وفصل آن‌ها گام بردارند.

آزادی علمی و بیان: یکی دیگر از پیش‌شرط‌های بنیادین در فرآیند مناظره و پاسخگویی به شبهات، برخورداری از فضای آزادی بیان و اظهارنظر است. بدین معنا که هر یک از طرفین در یک مواجهه فکری و مجادله، باید از حق مطرح کردن دیدگاه‌ها و دفاع از نظریات خویش برخوردار باشند؛ چراکه در غیاب چنین فضایی، امکان عملی پاسخگویی به شبهات و رسیدن به حقیقت وجود نخواهد داشت. آموزه‌های وحیانی و سیره عملی معصومین (ع) نیز بر ضرورت آزادی بیان و حق اظهارنظر تأکید ورزیده است. برجسته‌ترین شواهد قرآنی در این زمینه، آیاتی نظیر ﴿...قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ...﴾ (بقره/۱۱۱؛ انبیاء/۲۴؛ نمل/۶۴؛ قصص/۷۵)

است؛ تکرار این فرمان الهی، نشان‌دهنده الزام واگذار کردن فرصت استدلال و اثبات به طرف مقابل است. علاوه بر این، مفهوم «تَحَدّی» که در آیات ۲۳ سوره بقره، ۳۸ سوره یونس و ۱۳ سوره هود مطرح‌شده، از دیگر نشانه‌های قرآنی در تبیین حق آزادی بیان و ابراز دیدگاه است.

در همین راستا، امام خامنه‌ای (ره) نیز آزادی بیان و رعایت آداب آن را شرط لازم برای تحقق و کارآمدی مجادله دانسته و در تبیین دقیق این مفهوم می‌فرمایند: «آزادی؛ شرط لازم برای شکل گرفتن فضای گفت‌وگو است و اساساً جایی که آزادی وجود نداشته باشد، گفتمان‌ها نمی‌توانند با یکدیگر رقابت کنند. نه‌تنها با ابراز عقاید نباید مخالفت کرد، بلکه باید تلاش کرد تا زمینهٔ بروز عقاید را نیز فراهم آورد و از ابراز دیدگاه‌های مختلف استقبال کرد. البته «رقابت گفتمانی» به معنای آزادی بی‌حدوحصر نیست و اصولاً آزادی، آداب و فرهنگ مشخصی دارد که با بی‌بندوباری متفاوت است. اگر در جامعه، ادب آزادی وجود نداشته باشد و افراد چگونگی استفاده از آن را ندانند، مطمئن باشند آزادی را که برای یک جامعه فعال و کوشا و پیشرو یک ضرورت است – از دست خواهند داد و ازنظر اسلام این برای یک جامعه فاجعه است» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۰۹)؛ بنابراین دستیابی به هدف نهایی پاسخگویی به شبهات یعنی بازشناسی حق از باطل و تمایز میان حقیقت و تزویر؛ تنها زمانی میسر می‌گردد که طرفین مناظره و پاسخ‌دهندگان، در چارچوب آزادی بیان و درعین‌حال، متعهد به آداب و اصول علمی فعالیت کنند.

پرهیز از زورآزمایی علمی: مقصود از «زورآزمایی علمی»، رویکردی است که در آن، برخی افراد به‌جای جستجوی حقیقت، با هدف نمایش توانمندی‌های ذهنی، خودنمایی علمی و برتری‌جویی در برابر دیگران، به مجادله و مناظره می‌پردازند. این رفتار، بدون شک ریشه در «روحیه استکبار» دارد؛ اصطلاحی که در لغت به معنای «برتری‌خواهی، امتناع از پذیرش حق از روی عناد و خودبزرگ‌بینی دروغین» است (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ ق، ج ۵: ۱۲۶) از منظر اخلاق علمی، مناظره‌ای که هدف آن نمایش علمیت و خودبرتربینی باشد، نه‌تنها فاقد ارزش معرفتی است، بلکه می‌تواند به گمراهی افکار عمومی نیز منجر گردد. در این راستا، اگر هدف از مجادله، صرفاً شکست دادن و زمین‌زدن طرف مقابل باشد، از دایره مناظره علمی خارج شده و به «جدال و مراء نکوهیده» بدل می‌گردد (جعفری، ۱۳۹۸ ش، ج ۸: ۲۵۹) همان‌طور که جدال در مورد باطل و به معنای زورآزمایی است، گاهی در مورد حق نیز به کار می‌رود (بحرانی، ۱۳۸۹ ش، ج ۱: ۳۳۳).

یکی از شاخصه‌های بارز این افراد، عدم پذیرش روشن‌ترین حقایق است؛ زیرا

غایت آن‌ها دستیابی به حقیقت نیست، بلکه تثبیت جایگاه و برتری شخصی است. آموزه‌های وحیانی، کسانی را که بر اساس هوا و هوس و برای کسب افتخار و برتری، بدون توجه به ضرورت علم به محاجّه می‌پردازند، مورد مذمت قرار داده‌اند ﴿أَهْوَاءَهُم بِغَيْرِ عِلْمٍ﴾ (روم/۲۹) برای نمونه، در قرآن کریم، مردمان یهود و نصارا در مورد نبوت ابراهیم (ع) به بحث‌وجدل می‌پردازند، درحالی‌که بر حقیقت نبوت او آگاه بودند (آل‌عمران/۶۶)؛ این نشان‌دهنده آن است که بحث آن‌ها نه برای شناخت، بلکه بر پایه عناد بود (طباطبایی، ۱۳۵۲ ش، ج ۳: ۳۹۸، مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۲: ۶۰۵) علاوه بر این، قرآن کریم میان «اهل علم واقعی» و کسانی که بر پایه خودخواهی و زورآزمایی به گفتگو می‌پردازند، تمایز قائل شده است. (حج/۵۴) علم حقیقی، توانمندی تشخیص حق از باطل است و اهل آن نباید دچار سختی قلب و بیماری‌های روحی باشند. درواقع، عبارت ﴿أُوتُوا الْعِلْمَ﴾ در مقابل ویژگی‌هایی نظیر ﴿فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ﴾ (سختی و بیماری قلب) قرارگرفته است. از دیدگاه تفسیری، علم، حق و هدایت، همگی از یک منبع الهی نشئت می‌گیرند: ﴿أُوتُوا الْعِلْمَ﴾ (علم از اوست)، ﴿الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ﴾ (حق از اوست) و ﴿إِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ﴾ (هدایت از اوست)؛ بنابراین، سیر تکاملی انسان از علم به‌سوی ایمان و درنهایت خضوع و آرامش قلب، پیوند ناگسستنی این مراحل است: ﴿أُوتُوا الْعِلْمَ، فَيُؤْمِنُوا، فَتُخْبِتَ﴾ (قرائتی، ۱۳۸۸ ش، ج ۶: ۶۰).

در همین راستا، امام خامنه‌ای (ره) با تأکید بر ضرورت حفظ پیوندهای دینی و علمی، در تبیین مرز میان «بحث علمی» و «زورآزمایی»، می‌فرمایند: «توصیه امروز و دیروز و فردای من به علمای سنی و شیعه، طلاب و جوانان اهل علم و معرفت‌طلب سنی و شیعه این است که سعی کنید رفاقت و محبت و تفاهم روزبه‌روز در بین شما عمیق‌تر شود. مانعی ندارد که در مراکز علمی با همدیگر بحث علمی کنید و عقاید همدیگر را به چالش بکشید، مثل دو طلبه که با هم بحث می‌کنند؛ اما زورآزمایی نکنید» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار علما و فضلای شیعه و سُنّی استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۱/۱۲/۴).

با استناد به آموزه‌های وحیانی و رهنمودهای رهبر شهید، می‌توان نتایج زیر را استخراج کرد: الف) اصالت هدف: مناظره و پاسخگویی به شبهات باید صرفاً با هدف دفاع از حقایق و اثبات آن‌ها صورت گیرد، نه به‌مثابه ابزاری برای زورآزمایی. ب) ابعاد اخلاقی و الهی: کسانی که از منظر زورآزمایی به مجادله می‌پردازند، از روحیه استکبار برخوردارند و از سوی خداوند مورد مذمت قرار می‌گیرند. ج) پیامدهای اجتماعی: مناظره‌ای که بر پایه زورآزمایی بنا شده باشد، علاوه بر عدم موفقیت در اقناع طرف مقابل، موجب دور شدن مردم و تضعیف جایگاه حقیقت می‌گردد.

بهره‌گیری از روش پرسش‌وپاسخ در فرآیند پاسخگویی: روش پرسش‌وپاسخ، ازجمله شیوه‌های گفتگوی مؤثری است که از سوی رهبران الهی در مواجهه با مخاطبان به کار گرفته‌شده است؛ چنان‌که قرآن کریم در آیات متعددی به این شیوه از گفتگو اشاره نموده است (بقره/۱۸۹، نساء/۱۲۷، یونس/۵۳) به‌عنوان یک الگوی برجسته، می‌توان به مناظرات حضرت ابراهیم (ع) با مشرکان زمان خود، به‌ویژه نمرود، اشاره کرد. ایشان با استفاده از پرسش‌هایی بنیادین و چالش‌برانگیز، همواره در پی تحریک وجدان و اندیشه مخاطبان خود بودند تا آن‌ها را به مواجهه با حقیقت وادارند. برای نمونه، در مناظره با نمرود که مدعی خدایی بود، حضرت با طرح پرسشی که ناتوانی وی را در برابر قدرت الهی آشکار می‌کرد، می‌فرماید: «خداوند، خورشید را از خاور برمی‌آورد، تو آن را از باختر برآور» (بقره/۲۵۸) در این مقام، هدف حضرت، اثبات ناتوانی نمرود در تحقق ادعاهای بی‌اساس خود از طریق مواجهه با یک واقعیت عینی بود. همچنین ایشان در خطاب به بت‌پرستان، با طرح پرسش‌هایی در باب کارکرد و اثربخشی بت‌ها می‌فرماید: «آیا وقتی دعا می‌کنید، از شما می‌شنوند؟ و یا به شما سود یا زیان می‌رسانند؟» (شعرا/۷۲-۷۳). از منظر روان‌شناختی و اخلاقی، این شیوه پرسش‌گری، راهکاری کارآمد برای پرهیز از «تکبر و انانیت علمی» است؛ چراکه پرسش‌گر به‌جای اتخاذ موضع «من می‌دانم و شما نمی‌دانید»، با استفاده از پرسش، مخاطب را در موقعیتی قرار می‌دهد که خود به کشف حقیقت و درک موضوع مبحث دست یابد (نقی‌پورفر، زاهدی و فتحی، ۱۳۹۸ ش: ۱۹۴).

در همین راستا، امام خامنه‌ای (ره) نیز بر این باورند که برای دستیابی به درک عمیق بسیاری از حقایق، باید از روش پرسش‌وپاسخ استفاده کرد و این شیوه را می‌توان به‌عنوان یک الگوی کلی در تعاملات فکری و اجتماعی در نظر گرفت. ایشان در تبیین ضرورت این رویکرد در فضای علمی می‌فرمایند: «لازم است جلسات نقد و پرسش‌وپاسخ میان مسئولین و دانشگاهیان تشکیل شود. بنده از سال‌ها پیش همیشه به مسئولین و به رؤسای جمهوری که در این مدت بودند، سفارش می‌کردم که بروید دانشگاه، بروید با دانشجوها حرف بزنید. خود من که همیشه می‌رفتم. بنده از اول انقلاب و از پیش از انقلاب با دانشجوها ارتباط داشتم و سفارش هم می‌کردم. حالا هم عرض می‌کنم که مسئولین بنشینند با اساتید محترم جلسه پرسش‌وپاسخ داشته باشند. این پرسش‌وپاسخ خیلی باارزش است، خیلی کمک می‌کند؛ هم به مسئولین کمک می‌کند، هم به استاد دانشگاه کمک می‌کند، هم به فضای علم دانشگاه کمک می‌کند. مسئولان حضور

را در میان مجامع دانشگاهی بپذیرند، انتقاد دلسوزانه را بپذیرند. خیلی از این حرف‌هایی که اینجا گفته شد یا در جلسات شبیه این گفته می‌شود، می‌تواند مسئولان را راهنمایی کند» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۹۰/۶/۲)؛ بنابراین با تکیه بر آموزه‌های وحیانی و رهنمودهای امام شهید، می‌توان نتایج زیر را استخراج کرد:

الف) کارآمدی روش‌شناختی: پرسش‌وپاسخ نه‌تنها یک ابزار ساده برای دریافت اطلاعات، بلکه یک روش استراتژیک برای تحریک فکر و اصلاح باورهای نادرست است. ب) نزول از جایگاه خودبرتربینی: استفاده از پرسش در مناظره، مانع از برخورد برخاسته از تکبر شده و فضای گفتگو را از حالت «تلقین» به حالت «کشف و شهود» تغییر می‌دهد. ج) ارتقای فضای علمی و مدیریتی: به‌کارگیری این شیوه در تعامل میان نخبگان و مسئولان، علاوه بر ایجاد شفافیت، بستری برای انتقاد دلسوزانه و حرکت به سوی مدیریت علمی فراهم می‌سازد.

ضرورت رویکرد برهانی (استدلال‌محوری): ازجمله بایسته‌های بنیادین در فرآیند پاسخگویی به شبهات علمی در اندیشه قرآنی امام شهید آیت‌الله خامنه‌ای (ره)، برخورداری از رویکرد برهانی در مناظرات و مجادلات است. از منظر ترمینولوژی علمی، برهان مهارتی در استدلال است که از طریق ترکیب مقدمات یقینی به نتایج یقینی منتهی می‌گردد. (قراملکی، ۱۳۸۵ ش: ۱۴۸) بر این اساس، در مواجهه با اختلافات فکری، طرفین مکتب باید به‌جای توسل به ابزارهای غیرعلمی نظیر توهین و اهانت، به «نشست‌های برهانی» و استدلال‌های منطقی روی‌آورند. متأسفانه در برخی عرصه‌ها، مشاهده می‌شود که حتی برخی از عوام و گاهی برخی از عالمان، به‌جای ارائه استدلال، به سمت پرخاشگری کلامی و توهین به‌طرف مقابل حرکت می‌کنند؛ رویکردی که علاوه بر خدشه‌دار کردن اعتبار و حقانیت مکتب خود، فرآیند پذیرش حقیقت را نیز برای مخاطبان دشوار و ناممکن می‌سازد.

آموزه‌های وحیانی بر این نکته تأکیددارند که خدای متعال برای اثبات حقانیت دین خود در برابر مدعیان باطل، همواره از روش علمی و برهانی بهره جسته و از مخالفان می‌خواهد که ادعاهای خود را با برهان مستدل کنند. برای نمونه، در پاسخ به مدعیان انحصار در بهشت از سوی یهود و نصارا که بر پایه احساسات و تعصبات مذهبی سخن می‌گفتند، قرآن کریم با استناد به ضرورت داشتن دلیل، می‌فرماید: ﴿وَ قالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلاَّ مَنْ كانَ هُوداً أَوْ نَصارى تِلْكَ أَمانِيُّهُمْ قُلْ هاتُوا بُرْهانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صادِقِينَ﴾ (بقره/۱۱۱)؛ همچنین قرآن کریم در مواجهه با مشرکانی که به پرستش بت‌ها روی آورده بودند، از آنان برهان و دلیل می‌طلبد:

﴿أَمِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ...﴾ (انبیاء/۲۴)؛ و نیز در مقام تبیین حقایق هستی‌شناختی نظیر آفرینش و رزق، از مخالفان وحدانیت الهی، اثبات برهانی درخواست می‌کند: ﴿...قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (نمل/۶۴). در همین راستا، امام خامنه‌ای (ره) با تمسک به همین آموزه‌های وحیانی، در تبیین مرز میان «نقد علمی» و «تکفیر و تخریب»، بر ضرورت پرهیز از روش‌های غیرعلمی در حوزه‌های علمی تأکید می‌ورزند. ایشان دراین‌باره می‌فرمایند: «در حوزه علمیه، از روش‌های غیرعلمی برای رد نظر مخالف نباید استفاده شود. روش علمی چیست؟ استدلال و پاسخگویی و جواب؛ اقناع عقلی یا لااقل استدلال. روش غیرعلمی چیست؟ تکفیر؛ تفسیق. این درست نیست. بعضی از آرا هست، چه در باب فقه، چه در باب بعضی از مسائل مربوط به معارف، ممکن است اختلافی باشد، ممکن است یك نفر نظر مخالف داشته باشد، نباید رد کرد به معنای تفسیق. بله آن رأی را با چماق استدلال به‌شدت بکوبید، هیچ اشکالی ندارد، علیهش استدلال کنید، بنویسید؛ عوض یکی، ده تا بنویسید... اما تفسیق و اعلان خروج از دین و خروج از مذهب و این‌ها مصلحت نیست؛ این شیوه علمی نیست» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از اساتید و فضلا و طلاب نخبه حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه قم، ۱۳۹۸/۸/۲)؛ بنابراین از سنت وحیانی و منظومه فکری امام خامنه‌ای (ره) می‌توان استنباط کرد که پاسخگویی به شبهات، بایسته است که از مسیر «برهان و استدلال علمی» عبور کند. در این فرآیند، هدف اصلی باید اثبات حقانیت و اقناع عقلی باشد؛ به‌گونه‌ای که مناظره کنندگان، به‌جای تمرکز بر تخریب شخصیت طرف مقابل، بر تبیین منطقی موضوعات و استفاده از مقدمات یقینی تمرکز نمایند.

ب) بایسته‌های اخلاقی

همان‌قدر که بهره‌گیری از ابزارهای علمی در پاسخگویی به شبهات حائز اهمیت است، رعایت موازین اخلاقی توسط پاسخ‌دهنده نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در اثربخشی مناظره ایفا می‌کند. «امام شهید» بر لوازم اخلاقی این کنش فکری تأکیدات ویژه‌ای داشتند که در ادامه تبیین می‌گردد:

جدال مؤثر و سازنده (جدال احسن): واژه «جدل» در لغت به معنای منازعه، مخاصمه و گفتگو جهت غلبه بر خصم است؛ که ریشه آن به معنای «پیچاندن طناب» بازمی‌گردد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱: ۸۹ و ۱۸۹؛ قرشی بنابی، ۱۳۷۵ ش، ج ۲: ۲۲؛ طریحی، ۱۳۷۵ ش، ج ۵: ۳۳۴). در فضای گفتمانی دین، «جدال احسن» نه به معنای مراء مذموم، بلکه ابزاری برای تبیین حقایق و ارشاد مخاطب است. مفسران در تعریف جدال احسن اقوال متعددی دارند؛ ازجمله آنکه جدالی

است مبتنی بر حق که هدفش نه شکست رقیب، بلکه هدایت او باشد (نحل/۱۲۵؛ مجتبوی، ۱۳۷۷ ش: ۳۷۸) یا مجادلی که با نرم‌خویی، مدارا و رعایت اصول اخلاقی همراه است تا احساسات و کرامت انسانی طرف مقابل را خدشه‌دار نکند (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۲: ۴۳۵؛ نسفی، ۱۳۷۶ ش، ج ۱: ۵۲۹)؛ به‌نحوی‌که دشمنی طرف مقابل را بر نینگیزد و احساسات او را جریحه‌دار نسازد (طبرسی، ۱۴۰۸ ق، ج ۶: ۲۱۱) برخی دیگر آن را استفاده از مقدمات مقبول طرف گفتگو (فخررازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۰: ۱۳۹) و یا بهره‌گیری از حجت‌های قاطع قرآنی برای رفع شبهات و درهم‌کوبیدن گفتارهای عناد آلود دانسته‌اند (قمی‌مشهدی، ۱۳۷۶ ش، ج ۷: ۲۹۱) یا در آن، جای هیچ عذر و بهانه‌ای برای مخالف باقی نمی‌گذارد و شبهه و اعتراضش مطابق فهم او پاسخ داده می‌شود (طبرسی: ۱۳۸۶ ش، ج ۱: ۲۱).

در منظومه بایسته‌های اخلاقی پاسخ به شبهات، «جدال احسن» عاملی کلیدی در افزایش ضریب پذیرش حق است. فلسفه مناظره، دستیابی به حقیقت است و این امر جز با رعایت آداب انسانی حتی در تقابل با مخالفان، مشرکان یا کافران محقق نمی‌شود. خداوند متعال در قرآن کریم، اصل لزوم مناظره را با قید کیفیت آن گره‌زده است: ﴿... وَجادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (نحل/۱۲۵؛ عنکبوت/۴۶) همان‌گونه که مکارم شیرازی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۱۱: ۴۵۷) تبیین می‌کند، مناظره زمانی مؤثر است که بر محورهای «عدالت، امانت، صدق و راست‌گویی» استوار بوده و از هرگونه توهین، تحقیر و استکبار خالی باشد.

همچنین، تأکید بر قید احسن در آیه مذکور، نشان از آن دارد که هرگونه مناظره و مجادله‌ای، به‌خودی‌خود «احسن» محسوب نمی‌شود؛ بلکه ارزش و اثربخشی واقعی مناظره منوط به دارا بودن ویژگی‌های والای اخلاقی و استدلالی است؛ درواقع، خداوند متعال با مقید ساختن «موعظه» به قید «حسنه» و «جدال» به قید ﴿بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾، بر این نکته تأکید ورزیده است که مراتب مختلفی برای گفتار وجود دارد؛ برخی موعظه‌ها «حسنه» نیستند، برخی مجادلات در مرتبه «حسن» (نیکو) قرار دارند، برخی به مرتبه «احسن» (نیکوتر) رسیده‌اند و برخی نیز اصلاً فاقد صفت حسن هستند؛ وگرنه خداوند ضرورت تفید موعظه به «حسن» و جدال به «احسن» را بیان نمی‌فرمود (طباطبایی، ۱۳۵۲ ش، ج ۱۲: ۵۳۵).

در این راستا، اسلوب و روش پیامبران و ائمه معصومین (ع) الگویی تمام‌عیار برای تحقق «مجادله احسن» است. برای نمونه، غالب مناظرات حضرت نوح (ع) بر پایه همین مبانی استوار بود (هود/۲۵-۳۳؛ طبرسی، ۱۴۰۸ ق، ج ۵: ۴۷۲؛ طباطبایی، ۱۳۵۲ ش، ج ۱۰: ۱۹۸). همچنین در سیره حضرت ابراهیم (ع)،

می‌توان شاهد درگیری‌های فکری و جدال‌های خردمندانه با گروه‌های مختلف بود؛ ازجمله مناظره با «آذر» با پرسش ﴿يَاَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَ لَا يُبْصِرُ وَ لَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئاً﴾ (مریم/۴۲-۴۸)، مواجهه با بت‌پرستان در قالب پرسش از ماهیت تماثیل مورد پرستش آن‌ها ﴿اذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ﴾ (انبیاء/۵۲-۵۴) و نیز جدال با ستاره‌پرستان که از طریق مشاهده پدیده‌های طبیعی و نفی صفات «افول»، آنان را به‌سوی توحید سوق می‌داد (انعام/۷۶-۸۲). مجادلات پیامبر اکرم (ص) نیز در تقابل با مشرکان، جهت نفی بت‌پرستی، نفی ولایت غیر خدا و اثبات توحید و معاد، نمونه‌ای درخشان از «جدال احسن» است (سبأ/۲۴؛ رعد/۱۶؛ فاطر/۴۰؛ مؤمنون/۸۱-۸۹). ایشان با بهره‌گیری از برترین روش‌های مجادله، خصم را به تفکر وا می‌داشتند و آنان را از مرکب غرور و لجاجت فرود می‌آوردند (طباطبایی، ۱۳۵۲ ش، ج ۱۶: ۳۷۵).

در همین راستا، امام رضا (ع) نیز در مواجهه با پیروان آیین دوگانه‌پرستی، با استفاده از این بایسته، از روش «اثبات کثیر به‌وسیله‌ی نفی کثیر» بهره جست و با استدلال منطقی خطاب به آنان فرمود: «همین‌که می‌گویی پروردگار دوتاست، دلیل بر یکتایی اوست؛ چراکه تو نمی‌توانی خدای دوم را بدون اثبات خدای نخست ثابت کنی، درحالی‌که وجود بیش از یک خدا نیز [به‌خودی‌خود] قابل‌اثبات نیست» (کلینی، ۱۴۲۵ ق، ج ۱: ۷۸).

امام خامنه‌ای (ره) نیز با استناد به آموزه‌های وحیانی، «احسن بودن» را شرط اصلی توفیق در تبلیغ و مناظره دانسته و می‌فرمایند: «اگر امروز اسلام در دنیا رو به افزایش است، به‌خاطر این ویژگی است. البته مجادله هم باید ﴿بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ باشد؛ مجادله بد نباشد؛ جدال صحیح؛ جدال به احسن. این‌ها پایه‌های تبلیغ است. این کارها را که ما همیشه می‌کردیم؛ از هزار و چهارصد سال پیش تابه‌حال، چه وقت مسلمانان تبلیغ نمی‌کردند؟ شما ببینید آفاق عالم را تبلیغ اسلام گرفته است. امروز در منطقه شرق ایران هرچه شما جلوتر بروید، بیشتر مسلمانان، مسلمان به موعظه و تبلیغ و به دعوت‌اند تا به شمشیر. در چین این‌همه مسلمان هست؛ چه کسی این‌ها را مسلمان کرده؟» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی سراسر کشور، ۱۳۷۲/۲/۶) ایشان در جای دیگر با اشاره به سیره معصومین (ع) می‌افزایند: «پیشوایان اسلام در اوج قدرت و در دوران حکومت، سخت‌ترین شداید را تحمّل می‌کردند و به‌حکم ﴿وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ به نحو نیکو برخورد می‌نمودند» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار معلمان و اساتید دانشگاه‌های خراسان شمالی ۱۳۹۶: ۱۲۵)؛ بنابراین بر اساس منظومه فکری ملهم از قرآن در اندیشه امام

خامنـه‌ای (ره)، «مجادلـه احسـن» نه‌تنها شـرط اساسـی در مناظره و پاسـخگویی به شبهات است، بلکه عامل اصلی افزایش میزان تأثیرگذاری بر طرف مقابل نیز محسوب می‌شود. درواقع، غلبه و پیروزی انبیا و اولیا در میدان‌های نبرد فکری، مرهون رعایت دقیق همین بایسته و التزام به کیفیت «احسن» در مجادله بوده است.

حفظ حرمت‌ها: سـلامت اخلاقی و اعتبار یـک مناظره، در گـروی حفظ کرامت و حرمت طرفین از آغاز تا پایان گفتگو است. در این راستا، هر یک از طرفین مکلف‌اند شـبهات، پرسـش‌ها و پاسخ‌های خود را با رعایت موازین ادب مطرح نمایند و در صـورت عـدم توانایـی در ارائه دلیل مطلوب یا مواجهه با شکسـت در اسـتدلال، از هرگونه خشـونت لفظی، توهیـن یا رفتارهای غیرمنطقی خـودداری کنند. «ادب و تواضـع در گفتـار، علاوه بر آنکه موجب نزدیکی قلب‌ها می‌شـود، گوینده را از آفات روحی همچون غرور، خودخواهی و تکبر که به کمالات معنوی وی لطمه می‌زنند مصون می‌دارد» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ش، ج ۳: ۳۲۸).

ازآنجاکـه انبیـاء و اولیاء برای دعوت و تبلیغ دین، بیشـترین مواجهـه را با مخالفان داشـته‌اند، سـیره ایشان الگوی جامع برای رعایت حریم‌ها در سخن گفتن است. در سـیره عملی ائمه معصومین (ع) نیز مشـاهده می‌شود که ایشـان در مناظرات خود، این بایسته را به‌صورت «احسن و اکمل» اعمال می‌کردند؛ امری که موجب خضوع و پذیرش بسیاری از مخالفان می‌گشت. چنانکه در مناظرات امام رضا (ع) مشاهده می‌شـود که ایشـان نهایـت ادب را در مواجهه با مخاطب بـه کار می‌گرفتند؛ ازجمله اینکه سخن مخاطب را با دقت گوش می‌دادند، در میان کلام او نمی‌پریدند و هرگز از ناکامی طرف مقابل در پاسخ به پرسـش‌ها، اظهار مسرت یا تحقیر نمی‌کردند و از هرگونـه طعنـه و توهین پرهیز می‌نمودند (ابن‌بابویه، ۱۴۱۶ ق، ج ۱: ۱۷۰) حتی برای ایجاد جوی صمیمانه و انسـانی، گاهی ایشـان طرف مقابل را با نام کوچک خطاب می‌کردنـد؛ چنانکـه در مناظره با سـلیمان مروزی، به او فرمودنـد: «...حرفت را ادامه بـده ای سـلیمان» (قرشـی، ۱۳۸۲ ش، ج ۱: ۲۰۲) ازاین‌رو، بـرای تبیین آداب بحث با پیروان ادیان و مذاهب مختلف، سـیره اهل‌بیت (ع) به‌ویژه مناظرات امام رضا (ع) با مخالفان و ملحدان بهترین منبع آموزشی است (رحیم‌پور ازغدی، ۱۳۹۷ ش: ۲۱) این سـنت «عدم توهین» در سـیره معصومین (ع) ریشـه در اصول اخلاقی عمیقی دارد. بـرای نمونـه، در جنگ صفیـن، هنگامی‌که برخی از یـاران حضرت علی (ع) به سـبب ناسـزاگویی‌های دشمن، قصد پاسخ متقابل با فحاشی را داشتند، ایشان بـا تأکیـد بر نقـش «تبیین‌گری» و «افشـاگر» بودن، آنان را از فحاشـی بازداشـته و فرمودنـد: «...شـما افشـاگری کنیـد؛ تبیین کنید؛ دلایـل حقانیت مـا و باطل بودن

آن‌ها را بیان کنید... من هیچ‌وقت دوست ندارم که شماها فحاش باشید» (همان، ۱۳۹۷ ش: ۳۳؛ نهج‌البلاغه، ۱۳۸۸ ش: خ ۲۰۶؛ مجلسی، ۱۳۸۶ ش، ج ۳۲: ۳۹۹). از منظر مبانی وحیانی نیز، حفظ کرامت انسانی (بقره/۳۰) و رعایت ادب در مواجهه با مخالفان، امری مورد تأکید است. خداوند متعال در قرآن کریم صراحتاً از ناسزاگویی به مقدسات دیگران نهی فرموده و می‌فرماید: ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ...﴾ (انعام/۱۰۸) از این آیه می‌توان سه نکته کلیدی استخراج کرد: نخست آنکه ناسزاگویی ابزاری برای هدایت نیست؛ دوم آنکه دشنام، خود عامل بروز دشمنی، کینه و واکنش تلافی‌جویانه است؛ و سوم آنکه وقوع دشنام، نشانه فقدان دلیل منطقی و استدلال است (طباطبایی، ۱۳۵۲ ش، ج ۷: ۴۳۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۵: ۳۹۵؛ قرائتی، ۱۳۸۷ ش، ج ۲: ۵۲۹) همچنین، رعایت ادب در گفتار دینی با دشمنان، بر اساس تفسیر برائت، امری مطلوب و پسندیده تلقی شده است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶ ش، ج ۱۵: ۴۹).

امام خامنه‌ای (ره) نیز با تکیه‌بر این آموزه‌های وحیانی و سیره معصومین (ع)، حفظ حرمت‌ها را ضرورتی شرعی و قانونی دانسته و هرگونه توهین را حرام می‌شمارند: «به آن شیعه‌ای هم که از روی نادانی و غفلت، یا گاهی از روی غرض این را هم سراغ داریم و افرادی را هم از بین شیعیان می‌شناسیم که فقط مسئله‌شان مسئله‌ی نادانی نیست، بلکه مأموریت دارند برای اینکه ایجاد اختلاف کنند- به مقدسات اهل سنت اهانت می‌کند، عرض می‌کنم: رفتار هر دو گروه حرام شرعی است و خلاف قانونی است» (امام خامنه‌ای، بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج، ۱۳۸۸/۲/۲۲) همچنین ایشان بر لزوم رعایت احترام متقابل تأکید ورزیده و می‌فرمایند: «ما با رفتارهایی که بعضی از گروه‌های شیعه انجام می‌دهند که موجب اختلاف می‌شود، مخالفیم. ما صریحاً گفته‌ایم که با اهانت به مقدّسات اهل‌سنّت مخالفیم» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل‌بیت علیهم‌السلام و اتحادیه‌ی رادیو و تلویزیون‌های اسلامی، ۱۳۹۴/۵/۲۶) از منظر ایشان، محبت و احترام، ماهیتی طرفینی دارد؛ به این معنا که اگر کسی به بهانه عقیده بخواهد به مقدسات دیگران اهانت کند، این رفتار به‌هیچ‌وجه قابل دفاع نیست و باید با حفظ احترام متقابل، از سوءاستفاده دشمن جلوگیری کرد (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۶۸/۷/۱۹)؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که پرهیز از توهین، رعایت ادب و حفظ کرامت طرف مقابل در مناظره و پاسخ به شبهات، نه‌تنها یک توصیه اخلاقی، بلکه یک بایسته استراتژیک است که مورد تأکید

کلام وحیانی، سیره عملی ائمه (ع) و آموزه‌های امام خامنه‌ای (ره) قرار دارد. پایبندی به این اصل، علاوه بر بازشناسی حق از باطل، ضریب تأثیرگذاری حق را در مواجهه با مخاطب به شکلی مضاعف افزایش می‌دهد.

پرهیز از کینه‌توزی و رتق نفاق: یکی دیگر از بایسته‌های بنیادین اخلاقی در فرآیند پاسخگویی به شبهات، از منظر اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای (ره)، «پرهیز از کینه‌توزی» است. کینه‌توزی یا «حقْد»، در لسان متون اخلاقی به معنای سنگینی انزجار در قلب و جای دادن بدی دیگری در درون است، به‌گونه‌ای که این احساس بر فرد مستولی شده و به نفرت مستمر و مداوم بدل گردد (فیض کاشانی، ۱۳۸۵ ش: ۷۹، راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۱۳۶) از منظر مبانی وحیانی، پاک‌سازی قلب از کینه، یکی از ضرورت‌های ایمان است. قرآن کریم در دعای مؤمنان، بر درخواست زدودن هرگونه غلظت کینه و عداوت از قلب‌ها تأکید می‌ورزد: ﴿وَ لَا تجعَلْ فِی قُلُوبنَا غلاًّ لِّلَّذینَ ءَامَنُواْ رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَّحیم﴾ (حشر/۱۰)؛ یعنی خداوند از ما می‌خواهد که در دل‌هایمان هیچ حقد، حسد یا کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار ندهیم (طبرسی، ۱۴۰۸ ق، ج ۲۴: ۳۳۲). اهمیت این موضوع در آن حد است که پاک شدن از کینه و غیظ، از ویژگی‌های مؤمنانی است که در پیشگاه الهی به بهشت وارد می‌شوند (اعراف/۴۳؛ کاشانی، ۱۳۳۶ ش، ج ۴: ۳۲). در فضای مناظره و پاسخگویی به شبهات، کینه‌توزی معمولاً زمانی بروز می‌کند که طرف شکست‌خورده، به دلیل ضعف در بنیه اخلاقی و عدم تحقق آموزه‌های اسلامی در شخصیت خود، توانایی مواجهه با حقیقت را نداشته باشد. در چنین شرایطی، فرد به‌جای آنکه از شکست در استدلال، به‌عنوان فرصتی برای اصلاح خود و خودسازی فکری استفاده کند، به سمت واکنش‌های هیجانی و تلاش برای انتقام‌جویی از طرف مقابل سوق می‌یابد. از سوی دیگر، حتی زمانی که حقانیت در مناظره به اثبات می‌رسد، اگر طرف مقابل از مؤمنان باشد، بر اساس آموزه آیه مذکور، نباید نسبت به او کینه ورزید؛ چراکه هدف از مجادله، هدایت و تبیین حق است، نه دشمنی با مؤمن.

امام خامنه‌ای (ره) با تأکید بر ضرورت تفکیک میان «مباحثه علمی» و «نزاع شخصی»، بر این مسئله تأکید ویژه‌ای داشته‌اند. ایشان با اشاره به‌ضرورت برخورد «طلب‌گونه» با بحث‌ها، می‌فرمایند: «این را مراقب باشید. بحث و مجادله و مباحثه و گفتگو را طلبگی انجام دهید... در محیط‌های طلبگی، گاهی دو طلبه دعوا و جنجال می‌کنند؛ عصبانی می‌شوند، اما وقتی مباحثه تمام می‌شود، با یکدیگر ناهار و چایی می‌خورند و ﴿لَمْ یَكُنْ شَیْئاً مَذْكُوراً﴾ (انسان/۱) حرف‌هایشان را می‌زنند، اما بینشان

دشمنی و شکاف ایجاد نمی‌شود» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲/۳/۷)؛ همچنین ایشان در بیانی دیگر، ضمن پذیرش مشروعیت مناظره و نقد، بر لزوم قرارگیری آن در چهارچوب‌های شرعی و جلوگیری از بروز «نقار» (اختلاف و نزاع) تأکید کرده و می‌فرمایند: «من با مناظره و معارضه و گفتگو و انتقاد مخالفتی ندارم؛ امّا سعی کنید این در چهارچوب‌های درست شرعی و دینی انجام بگیرد... در این سخنرانی‌ها، در این اظهارات، جوری نباشد که منتهی بشود به ایجاد دشمنی و ایجاد نقار؛ با برادری و با مهربانی پیش بروند. البتّه اختلاف‌نظر، اختلاف رأی، اختلاف‌سلیقه، در مسائل گوناگون، در مسائل شخصی، در مسائل عمومی، یك امر طبیعی است؛ اشکالی هم ندارد. نگذارید این به اغتشاش منتهی بشود» (امام خامنه‌ای، بیانات در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸/۴/۱۴)؛ بنابراین می‌توان استنباط کرد که اگر در پایان فرآیند پاسخگویی به شبهات، از کینه و نارضایتی قلبی پرهیز شود، نه‌تنها اثربخشی و ماندگاری پیام حق افزایش می‌یابد، بلکه از بروز نفاق و شکاف‌های اجتماعی نیز جلوگیری می‌گردد. درواقع، رعایت این بایسته، ضامن تبدیل «اختلاف‌نظر» به «تنوع فکری» و جلوگیری از تبدیل‌شدن آن به «اغتشاش و دشمنی» است.

پرهیز از تعصب‌افروزی: یکی از ارکان بنیادین در گفتمان دینی، اجتناب از برانگیختن تعصبات است. بدین معنا که هدف از مناظره و مجادله، نباید بر پایه اثبات برتری خودخواهانه یا ابراز تعصبات مذهبی باشد؛ بلکه طرفین گفتگو باید از دیدگاهی فراتر از خودمحوری، به تبیین حق بپردازند. اگر مبنای پاسخگویی به شبهات بر پایه اثبات حقانیت محض خود و نفی مطلق دیگری باشد، مناظره به‌جای آنکه راهی برای هدایت باشد، به شعله‌ور کردن آتش اختلافات و درگیری‌های مذهبی بدل خواهد شد. در این راستا، آیت‌الله جوادی آملی، «جدال احسن» را فرآیندی می‌داند که در آن، مجادله‌کننده نه با باطل‌انگاری مطلق طرف مقابل، بلکه با استفاده از مقدمات حقانی که نزد مخاطب مقبول و مسلّم است، به اثبات حقیقت می‌پردازد (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش، ج ۵: ۵۳۲).

قرآن کریم، کسانی را که از این رویکرد مبتنی بر تعصب پیروی می‌کنند، مورد نکوهش قرار داده است. خداوند متعال در توصیف مناظرات مبتنی بر تعصب میان یهود و نصارا، می‌فرماید: ﴿وَ قَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَى عَلَىٰ شَيْءٍ وَ قَالَتِ النَّصَارَى لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ...﴾ (بقره/۱۱۳) از ظاهر این آیه استنباط می‌شود که سبک مجادله و گفتگوی این دو گروه، بر پایه تعصب‌ورزی بوده است؛ چراکه هر یک از آن‌ها با نگاهی یک‌طرفه، تنها مکتب خود را حق و دیگران را بر باطل

می‌انگاشتند (طباطبایی، ۱۳۵۲ ش، ج ۱: ۳۹۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۳۶۰).
امام خامنه‌ای (ره) نیز با تأکید بر این نکته، نسبت به خطر تعصب‌افروزی در نام دین هشدار داده‌اند. ایشان ضمن تأکید بر لزوم پایبندی به ایمان مذهبی، از هرگونه رفتاری که منجر به مشتعل کردن تعصبات فرقه‌ای و ایجاد دشمنی میان مسلمانان شود، برحذر داشته و آن را ناصواب می‌دانند. ایشان معتقدند که «برخورد با مخالفان دینی نباید با تعصب همراه باشد، بلکه باید از طریق بحث، استدلال و منطق، آنان را به سمت حقیقت هدایت کرد. ایشان با استناد به فرمان الهی ﴿وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (نحل/۱۲۵)، بر این نکته تأکید می‌ورزند که شیوه مقابله با شبهات باید بر اساس دستور قرآن و با رعایت موازین «احسن» باشد، نه با روش‌های تعصب‌آمیز» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۳/۲۹).
بنابراین، بر اساس آموزه‌های وحیانی و اندیشه ایشان، اگر مناظره و پاسخگویی به شبهات بر پایه تعصب‌ورزی بنا شود، نه‌تنها منجر به فروکش کردن اختلافات نمی‌گردد، بلکه موجب گسترش و شدت گرفتن اختلافات خواهد شد. افزون بر این، چنین رویکردی، به‌جای بهره‌گیری از سیره انبیا، از منطق و روش‌های تعصب‌آمیز گروه‌های غیر مؤمن (نظیر یهود و نصارا) پیروی خواهد کرد؛ لذا برای آنکه گفتگوی دینی به نتیجه مطلوب، یعنی شناخت حق و هدایت مخاطب، منتهی شود، پرهیز از تعصب و حرکت در مسیر استدلال مبتنی بر حق، امری ضروری است.
اصلاح گری و خیرخواهی: یکی از بایسته‌های بنیادین در مواجهه با شبهات، برخورداری از روحیه «اصلاح‌گری» و «خیرخواهی» است. در این مقام، خیرخواهی به معنای داشتن اراده‌ای خیرخواهانه همراه با خلوص و پاکی نیت برای هدایت مخاطب به سوی صلاح اوست. (شعرانی، ۱۳۸۰ ش، ج ۲: ۸) از منظر لغوی، خیرخواهی یا نصیحت، به معنای درخواست عمل یا سخنی است که مصلحت انجام‌دهنده و مخاطب را در پی داشته باشد و هدف آن، دعوت به آنچه صلاح مخاطب در آن است و بازداشتن او ازآنچه موجب تباهی و فساد او می‌گردد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲: ۳۳۹) در فرآیند پاسخگویی به شبهات یا ورود به عرصه‌ی مناظره، این اصل بسیار حیاتی است؛ بدین معنا که هدف از بحث نباید «طرد کردن» طرف مقابل باشد، بلکه باید بر محور «اصلاح و خیرخواهی» او استوار گردد. تفاوت میان این دو رویکرد در نتایج آن آشکار است: اگر هدف از تبیین، اصلاح مخاطب باشد، بستر اقناع و بازگشت او به حقیقت فراهم می‌ماند؛ اما اگر از همان ابتدا هدف، طرد و بی‌اعتبار کردن طرف مقابل باشد، نه‌تنها زمینه بازگشت

او از بین می‌رود، بلکه موجب تشدید مخالفت و عناد او خواهد شد.
الگوی این رویکرد، سیره انبیا و اولیا در مواجهه با مخالفان است. در آموزه‌های وحیانی، مشاهده می‌شود که مجادلات و گفتگوهای پیامبران، همواره با هدف اصلاح و خیرخواهی پیروان و مخالفان صورت گرفته است. برای نمونه، می‌توان به مجادله حضرت ابراهیم (ع) با عموی خود آذر و دعوت او به‌سوی توحید اشاره کرد که از سر دلسوزی با عبارت ﴿يَأَبَتِ إِنِّيٓ أَخَافُ أَن يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِّنَ الرَّحْمَٰنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَٰنِ وَلِيًّا﴾ (مریم/۴۵) بیان شد یا مجادله با نمرود برای دعوت او به یکتاپرستی مجادله با نمرود و دعوت او به یکتاپرستی (بقره/۲۵۸)؛ حتی قرآن کریم، دلسوزی و رنج ناشی از عدم ایمان مخاطبان را در قلب پیامبر اکرم (ص) توصیف می‌کند: ﴿لَعَلَّكَ بَٰخِعٌ نَّفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا۟ مُؤْمِنِينَ﴾ (شعرا/۳) همچنین در کلام پیامبران بزرگ، تأکید مستمر بر «نصیحت» و «اصلاح» دیده می‌شود؛ چنان‌که حضرت نوح (ع) می‌فرماید: ﴿أُبَلِّغُكُمْ رِسَٰلَٰتِ رَبِّي وَأَنصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ (اعراف/۶۲)؛ حضرت هود (ع) خود را «ناصح امین» معرفی می‌کند (اعراف/۶۸)؛ و حضرت صالح (ع) و حضرت شعیب (ع) نیز در آخرین سخنان خود، بر انجام رساندن رسالت و نصیحت صادقانه تأکید ورزیده‌اند (اعراف/۷۹ و ۹۳). تمام این نمونه‌ها نشان می‌دهد که هدف از مجادله، پیروزی بر رقیب، بلکه اصلاح طرف مقابل بوده است.
بر این اساس، بر پایه آیات کریمه، تنها «صالح بودن» افراد کافی نیست، بلکه باید «اصلاح‌گری» نیز در کار باشد؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ ٱلْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ﴾ (هود/۱۱۷)؛ یعنی اصلاح‌گری اهل شهر، مانع از هلاکت آن می‌شود (طبرسی، ۱۴۰۸ ق، ج ۵: ۳۰۹). همین اصل اصلاح‌گری، ضامن سعادتمندی و آرامش است، چنان‌که قرآن کریم ایمان و اصلاح را منشأ عدم ترس و حزن می‌داند: ﴿فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (انعام/۴۸) ﴿فَمَنِ اتَّقَىٰ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (اعراف/۳۵؛ مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲ ش، ج ۳: ۴۹۳). در منظومه فکری امام خامنه‌ای، این رویکرد اصلاح‌گرانه، مرز میان «بحث علمی سازنده» و «نزاع تخریبی» را مشخص می‌کند. از دیدگاه ایشان، تضارب آراء در محیط‌های علمی برای تعمیق تفکر امری طبیعی است؛ اما آنچه فاجعه محسوب می‌شود، صف‌آرایی برای محو کردن، ضربه زدن یا جریحه‌دار کردن طرف مقابل است (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای شورای عالی مجمع تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۷۰/۷/۱).
بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که اگر مجادلات و پاسخگویی به شبهات توسط انبیا و اولیا صورت می‌گرفت همه به‌منظور اصلاح‌سازی و نجات از گمراهی طرف

مخالف بوده و هیچ‌گاه برای غلبه و پیروزی بر آن‌ها مجادله و مناظره انجام نمی‌دادند. توصیه امام خامنه‌ای نیز همین سبک و روش بوده و تأکید ایشان نیز اصلاح‌سازی طرف مخالفین است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که در منظومه فکری امام خامنه‌ای، پاسخگویی به شبهات، فرآیندی نیست که بتوان آن را صرفاً در حوزه‌ی مباحثات فنی یا مناظرات کلامی محض خلاصه کرد؛ بلکه این فعالیت، تلاقی دو ساحت بنیادین علم و اخلاق است. یافته‌های تحقیق تبیین می‌کند که اثربخشی یک پاسخ، نه‌تنها در میزان استواری استدلال‌ها، بلکه در میزان انطباق این استدلال‌ها با موازین اخلاقی و سیره وحیانی قرار دارد. ازاین‌رو، دستیابی به حقیقت در مواجهه با شبهات، مستلزم حرکت در مسیری است که در آن قوّت برهان با لطافت اخلاق پیوندی ناگسستنی می‌یابد. در ساحت نخست، بایسته‌های علمی زیربنای فنی پاسخگویی را تشکیل می‌دهند. این ساحت شامل برخورداری از تخصص عمیق، تسلط کامل بر منابع هر دو دیدگاه و استفاده از روش‌های برهان‌آوری و تعامل پرسش و پاسخی است. درواقع، روش‌شناسی علمی در این منظومه، فراتر از یک ابزار تکنیکی، وسیله‌ای برای رسیدن به دقت و جامعیت در تبیین حقیقت است؛ به‌گونه‌ای که پاسخ، نه از سر تقلید یا ادعای بی‌مبنا، بلکه بر پایه استدلال‌های مستدل و با تسلط بر ریشه‌های شبهه ارائه گردد تا از تعمیق ابهام در ذهن مخاطب جلوگیری شود.
در ساحت دوم، بایسته‌های اخلاقی، جهت و غایت پاسخگویی را تعیین می‌کنند. در این منظومه، پاسخگویی به شبهات نباید به ابزاری برای نمایش قدرت علمی، طرد طرف مقابل یا برانگیختن احساسات و کینه‌توزی بدل شود. برعکس، هدف غایی باید بر محور خیرخواهی و اصلاح‌گری استوار گردد؛ به‌گونه‌ای که از توهین به مقدسات و لحن‌های خصمانه پرهیز شود تا کرامت مخاطب حفظ گردد. درنهایت، می‌توان گفت الگوی پاسخگویی به شبهات در اندیشه امام خامنه‌ای، الگویی است که در آن حقانیت مطلب هرگز نباید از شیوه‌ی اخلاقی بیان جدا شود؛ چراکه تنها از طریق این پیوند است که می‌توان از یک بحث فنی، به یک حرکت هدایت‌گرانه و اصلاح‌گرانه دست یافت.

منابع و مآخذ

*قرآن کریم، ترجمه: رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۳)، قم: مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر.

آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱٤۱٥ ق). ***روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی***. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱٤۱٦ ق). ***الخصال***. چاپ پنجم. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

ابن فارس، احمد. (۱٤۰٤ ق). ***معجم مقاییس اللغه***. چاپ اول. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

انوری، حسن. (۱۳۸۲ ش). ***فرهنگ فشرده سخن***. تهران: سخن.

بحرانی، هاشم بن سلیمان. (۱۳۸۹ ش). ***ترجمه تفسیر روایی البرهان***. ترجمه رضا ناظمیان. چاپ دوم. تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی سراسر کشور.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی. (Khamenei.ir).

جعفری، یعقوب. (۱۳۹۸ ش). ***تفسیر کوثر***. چاپ سوم. قم: هجرت.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸ ش). ***ادب فنای مقربان***. ج ۳. چاپ دوم. قم: مرکز نشر اسراء.

حر عاملی، محمد بن حسن. (۱٤۲٤ ق). ***وسائل الشیعه***. قم: جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم، مؤسسه النشر الاسلامی.

حسینی دشتی، سید مصطفی. (۱۳۸٥ ش). ***معارف و معاریف***. قم: انتشارات آرایه.

خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹٦ ش). ***تفسیر سوره برائت***. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.

دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۲ ش). ***لغت‌نامه***. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱٤۱۲ ق). ***المفردات فی غریب القرآن***. لبنان: دارالشامیه.

رحیم‌پورازغدی، حسن. (۱۳۹۷ ش). ***امت اسلامی (بازخوانی اندیشه راهبردی رهبر معظم انقلاب درباره وحدت اسلامی)***. تهران: نهضت نرم‌افزاری.

زمخشری، محمود بن عمر. (۱٤۰۷ ق). ***الکشاف***. بیروت: دار الکتاب العربی.

سجادی، سید جعفر. (۱۳۸۰ ش). ***فرهنگ معارف اسلامی***. سمنان: انتشارات کومش.

شعرانی، ابوالحسن. (۱۳۸۰ ش). ***نثر طوبی***. چاپ دوم. تهران: اسلامیه.

شیخو، لوئیس. (۱۳۸٦ ش). ***المنجد***. ترجمه محمد بندرریگی. قم: انتشارات اسلامی.

طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳٥۲ ش). ***المیزان فی تفسیر القرآن***. چاپ سوم. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

طبرسی، ابومنصور احمد بن علی. (۱۳۸٦ ق). ***الاحتجاج***. نجف: دارالنعمان.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱٤۰۸ ق). ***تفسیر اجتهادی جامع***. چاپ دوم. بیروت: دار المعرفه.

طریحی، فخرالدین بن محمدعلی. (۱۳۷٥ ش). ***مجمع البحرین***. تهران: مکتبه المرتضویه.

فخررازی، محمد بن عمر. (۱٤۲۰ ق). ***التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)***. چاپ سوم. بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

فراهیدی، خلیل ابن احمد. (۱٤۰۹ ق). ***کتاب العین***. چاپ دوم. قم: مؤسسه دارالهجره.

فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱٤۱٥ ق). ***القاموس المحیط***. لبنان: دارالکتب العلمیه.

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۳۳٦ ش). ***تفسیر کبیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین***. چاپ اول. تهران: کتابفروشی و چاپخانه محمد حسن علمی.

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۳۸٥ ش). ***الحقایق فی محاسن الاخلاق قره العیون فی المعارف و الحکم ویله مصباح الانظار***. چاپ چهارم. تهران: دارالکتاب الاسلامی.

قراملکی، فرامرز. (۱۳۸٥ ش). ***منطق ۲***. چاپ دوم. تهران: دانشگاه پیام نور.

قرائتی، محسن. (۱۳۸۸ ش). ***تفسیر نور***. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

قرشی بنابی، علی‌اکبر. (۱۳۷٥ ش). ***تفسیر احسن الحدیث***. تهران: بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر.

قرشی بنایی، علی‌اکبر. (۱٤۱۲ ق). ***قاموس قرآن***. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا. (۱۳٦۷ ش). ***تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب***. چاپ اول. تهران: وزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی، مؤسسه الطبع و النشر.
کلینی، محمد بن یعقوب. (۱٤۰۷ ق). ***الکافی***. (ط – الإسلامیه). چاپ چهارم. تهران: بی‌نا.
کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۸ ش). ***فروع کافی***. چاپ اول. قم: قدس.
مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۳۸٦ ش). ***بحارالانوار***. چاپ چهارم. تهران: المکتبه الاسلامیه.
مرکز فرهنگ و معارف قرآن. (۱۳۸۲ ش). ***دائره المعارف قرآن کریم***. چاپ اول. قم: مؤسسه بوستان کتاب، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی.
مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۹ ش). ***قرآن در آینه نهج‌البلاغه***. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۱ ش). ***اخلاق در قرآن***. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۱ ش). ***پند جاوید***. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۷ ش). ***مباحثی درباره حوزه***. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
معین، محمد. (۱۳۹۱ ش). ***فرهنگ فارسی***. چاپ بیست و هفتم. تهران: امیرکبیر.
مفید، محمد بن محمد. (۱٤۱۳ ق). ***الارشاد***. چاپ اول. قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱ ش). ***تفسیر نمونه***. تهران: دارالکتاب الإسلامیه.
نسفی، عمر بن محمد. (۱۳۷٦ ش). ***تفسیر نسفی***. چاپ اول. تهران: انتشارات سروش (صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران).
نقی‌پورفر، ولی‌الله. (۱۳۹۸ ش). «سیره‌ی تعلیمی تربیتی امام رضا (ع) در مناظره با اصحاب ادیان و مذاهب». ***فرهنگ رضوی***. دوره ۷. شماره ۱. صص ۱۸۳-۲۱۳.
هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۸۳ ش). ***فرهنگ موضوعی قرآن – تفسیر موضوعی آیات و سور***. چاپ دوم. قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).

References

The Holy Qur'an. Translated by Mohammad Ali Rezaei Esfahani. (2004). Qom: Dar al-Zekr Institute for Cultural Research.

Al-Alusi, Mahmud ibn Abdullah. (1994). Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-'Azim wa al-Sab' al-Mathani. 1st ed. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah.

Ibn Babawayh, Muhammad ibn Ali. (1995). Al-Khisal. 5th ed. Qom: Islamic Publications Office, Society of Seminary Teachers of Qom.

Ibn Faris, Ahmad. (1983). Mu'jam Maqayis al-Lughah. 1st ed. Qom: Maktab al-I'lam al-Islami.

Anvari, Hasan. (2003). Farhang-e Feshordeh-ye Sokhan. Tehran: Sokhan.

Bahrani, Hashim ibn Sulayman. (2010). Translation of Tafsir Riwayati al-Burhan. Translated by Reza Nazemian. 2nd ed. Tehran: Public Libraries Foundation of Iran.

Office for the Preservation and Publication of the Works of Grand Ayatollah Seyyed Ali Khamenei. Khamenei.ir. Institute for Cultural Research and Studies of the Islamic Revolution.

Ja'fari, Ya'qub. (2019). Tafsir-e Kowsar. 3rd ed. Qom: Hejrat.

Javadi Amoli, Abdullah. (2009). Adab-e Fanaye Moqarraban, Vol. 3. 2nd ed. Qom: Esra Publishing Center.

Hurr al-Amili, Muhammad ibn Hasan. (2003). Wasa'il al-Shi'ah. Qom: Islamic Publishing Institute, Society of Seminary Teachers of Qom.

Hosseini Dashti, Seyyed Mostafa. (2006). Ma'aref va Ma'arif. Qom: Arayeh Publications.

Khamenei, Seyyed Ali. (2017). Tafsir-e Sureh-ye Bara'at. Tehran: Islamic Revolution Publications.

Dehkhoda, Ali-Akbar. (1993). Loghat-nameh. Tehran: University of Tehran Press.

Raghib al-Isfahani, Husayn ibn Muhammad. (1992). Al-Mufradat fi Gharib al-Qur'an. Lebanon: Dar al-Shamiyyah.

Rahimpour Azghadi, Hasan. (2018). The Islamic Ummah: A Reappraisal of the Supreme Leader's Strategic Thought on Islamic Unity. Tehran: Nahzat-e Narm-Afzari.

Al-Zamakhshari, Mahmud ibn Umar. (1987). Al-Kashshaf. Beirut: Dar al-Kitab al-'Arabi.

Sajjadi, Seyyed Ja'far. (2001). Farhang-e Ma'aref-e Eslami. Semnan: Kavir Publications.

Sha'rani, Abolhasan. (2001). Nathr-e Tuba. 2nd ed. Tehran: Islamiyah.

Cheikho, Louis. (2007). Al-Munjid. Translated by Mohammad Bandar Rigi. Qom: Eslami Publications.

Tabataba'i, Seyyed Mohammad Hossein. (1973). Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an. 3rd ed. Beirut: Mu'assasat al-A'lami lil-Matbu'at.

Tabarsi, Abu Mansur Ahmad ibn Ali. (1967). Al-Ihtijaj. Najaf: Dar al-Nu'man.

Tabarsi, Fadl ibn Hasan. (1987). Tafsir-e Ejtehadi-ye Jame'. 2nd ed. Beirut: Dar al-Ma'rifah.

Tureihi, Fakhr al-Din ibn Muhammad Ali. (1996). Majma' al-Bahrayn. Tehran: Maktabat al-Murtadawiyyah.

Fakhr al-Razi, Muhammad ibn Umar. (2000). Al-Tafsir al-Kabir (Mafatih al-Ghayb). 3rd ed. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi.

Farahidi, Khalil ibn Ahmad. (1988). Kitab al-'Ayn. 2nd ed. Qom: Mu'assasat Dar al-Hijrah.

Fairuzabadi, Muhammad ibn Ya'qub. (1994). Al-Qamus al-Muhit. Lebanon: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah.

Fayd Kashani, Muhammad ibn Shah Murtada. (1957). Tafsir-e Kabir-e Manhaj al-Sadiqin fi Ilzam al-Mukhalifin. 1st ed. Tehran: Mohammad Hasan Elmi Bookshop and Printing House.
Fayd Kashani, Muhammad ibn Shah Murtada. (2006). Al-Haqa'iq fi Mahasin al-Akhlaq; Qurrat al-'Uyun fi al-Ma'arif wa al-Hikam; Dhayl-e Misbah al-Anzar. 4th ed. Tehran: Dar al-Kitab al-Islami.
Qarāmaleki, Faramarz. (2006). Manteq 2. 2nd ed. Tehran: Payame Noor University.
Qara'ati, Mohsen. (2009). Tafsir-e Nur. Tehran: Center for Cultural Activities of Lessons from the Qur'an.
Qureshi Banabi, Ali-Akbar. (1996). Tafsir-e Ahsan al-Hadith. Tehran: Besat Foundation, Printing and Publishing Center.
Qureshi Bana'i, Ali-Akbar. (1992). Qamus-e Qur'an. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
Qomi Mashhadi, Muhammad ibn Muhammad Reza. (1988). Tafsir-e Kanz al-Daqa'iq wa Bahr al-Ghara'ib. 1st ed. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, Institute of Printing and Publishing.
Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub. (1987). Al-Kafi. 4th ed. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub. (2009). Furu' al-Kafi. 1st ed. Qom: Qods.
Majlisi, Muhammad Baqir ibn Muhammad Taqi. (2007). Bihar al-Anwar. 4th ed. Tehran: Al-Maktabah al-Islamiyyah.
Center for Qur'anic Culture and Knowledge. (2003). Encyclopedia of the Holy Qur'an. 1st ed. Qom: Bustan-e Ketab Institute, Printing and Publishing Center of the Islamic Propagation Office.
Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi. (2010). The Qur'an in the Mirror of Nahj al-Balagha. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications.
Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi. (2012). Ethics in the Qur'an. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications.
Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi. (2012). Pand-e Javid. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications.
Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi. (2018). Discussions on the Seminary. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications.
Moein, Mohammad. (2012). Farhang-e Farsi. 27th ed. Tehran: Amir Kabir.
Mufid, Muhammad ibn Muhammad. (1992). Al-Irshad. 1st ed. Qom: International Congress for the Millennium of Shaykh al-Mufid.
Makarem Shirazi, Naser. (1992). Tafsir-e Nemuneh. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
Nasafi, Umar ibn Muhammad. (1997). Tafsir-e Nasafi. 1st ed. Tehran: Soroush Publications (Islamic Republic of Iran Broadcasting).
Naghizadeh Pourfar, Valiollah. (2019). "The Educational and تربیتی Conduct of Imam Reza (A.S.) in Debates with Followers of Other Religions and Schools of Thought." Farhang-e Razavi, 7(1), 183–213.
Hashemi Rafsanjani, Akbar. (2004). Thematic Dictionary of the Qur'an: A Thematic Exegesis of Qur'anic Verses and Surahs. 2nd ed. Qom: Bustan-e Ketab Institute, Printing and Publishing Center of the Islamic Propagation Office of the Qom Seminary.